

عنوان مقاله:

کارکرد عناصر فانتزی در مثنوی جمشید و خورشید سلمان ساوجی

محل انتشار:

نخستین همایش ملی هنرهای نمایشی و دیجیتال (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

مارال غلامی کونتایی - دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

خلاصه مقاله:

یکی از گسترده ترین عرصه های حضور فانتزی، ادبیات غنایی و قصه های عامیانه است. مثنوی جمشید و خورشید نیز به عنوان منظومه ای عاشقانه در سده ی هشتم توانسته است در کنار روند عاشقانه ی داستان از حضور عناصر فانتزی بهره مند شود. با وجود نمود کمتر این عناصر در آثار منظوم نسبت به آثار منثور این مثنوی از الگوی طرح داستانهای فانتزی با ساختارهای بلند پیروی می کند و عناصر دنیای فانتزی با جهان حقیقی به گونه ای پیوند می خورد که در روند داستان و موقعیت های گوناگون با حضور خود بر جذابیت و کشش داستان افزوده است. در این مقاله تلاش می کنیم با معرفی مختصر سلمان ساوجی، آثار او و بررسی این مثنوی از جنبه های طرح فانتزی، شگردهای طرح شناسی، کنش کارکردی، تخیل شناسی شخصیت های واقعی و تخیلی، موجودات و بناهای فراطبیعی و... زیبایی ها و عناصر فانتزی آن و ابتکار و نوآوری سراینده ی آن را نشان دهیم. شایان ذکر است از میان کنش های مورد بررسی دو کنش جادویی و یاریگری با توجه به ساختار تخیلی و فانتزی منظومه حضور پررنگ تری دارند.

کلمات کلیدی:

ادبیات غنایی، شخصیت های فراطبیعی، فانتزی، کنش کارکردی، کنش جادویی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1011821>

